

چند سروده

قصر سفید

صد قصر سفید به دارالامان* ما نرسد
صد لندن و پاریس به پغمان ما نرسد
افسوس که ارگ وطنم خانهء کلمرغ شده
صد شمر ویزید به ارگ نشینان ما نرسد
ا.حیدری، ۲۰۱۶، ۴، ۷، سدنی

خدا گر سیر کند

به یک چوکی نمی گنجد دو گُنده
از اینرو ملک ما گردیده گنده
شب و روز ع و غ در فکر تاراج
خدا گر سیر کند چشم دو بَنده
ا.حیدری، ۲۰۱۶، ۴، ۱۰، سدنی

بهار آمد

بهار آمد دلم دریای خون است
به ملکم ظالمان از حد فزون است
خداوندا! رسان روزی که بینیم
ستمکاران همه در خاک و خون است
ا.حیدری، ۲۰۱۶، ۴، ۱۱، سدنی

*- دریغا که قصر دارالامان ما از دست وطنفروشان و نوکران بیگانه
ها به مخروبه ی مبدل شده است.